

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۷۶ - ۱۶۱

تأملاتی در چیستی و ضرورت کلام کاربردی

عبدالرحیم سلیمانی بهبانی^۱

چکیده

کلام کاربردی اصطلاحی نوپیدا و تا حدودی مبهم است، و حداقل سه معنا قابل تصور است: ۱. تمرکز بر مباحث اعتقادی مورد نیاز نسل امروز و حذف مباحثی که تاریخ مصرف آن منقضی شده؛ ۲. راهکارهای تأثیربخشی معرفت‌های دینی در حیات فردی و اجتماعی، ۳. شیوه‌های هنجارسازی باورهای اعتقادی. معنای اول، تفاوت بنیادین با علم کلام به معنای متعارف و رایج ندارد، و نسبت میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است، اما کلام کاربردی در معنای دوم و سوم، هویتی متمایز از کلام رایج دارد، و مشتمل بر مجموعه قواعدی است که مبانی آن قواعد، برگرفته از دانش‌های مختلفی همچون همچون اخلاق، تربیت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی است. نوشته حاضر، علاوه بر تبیین معانی سه‌گانه و ضرورت و جایگاه آنها، به نسبت میان هر یک از آنها با علم کلام پرداخته است.

واژگان کلیدی

کلام کاربردی، معارف کاربردی، هنجار، معرفت، باور.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

طرح مسأله

در دوران اخیر، توصیف پاره‌ای از علوم به وصف «کاربردی» رواج پیدا کرده است. ریاضیات کاربردی (Applied Mathematical)، منطق کاربردی (Applied Logic)، اخلاق کاربردی (Applied ethics) و فلسفه کاربردی (applied philosophy)، از این قبیل است. مراد از واژه «کاربردی» نسبت به برخی مصادیق این ترکیب‌ها، تا حدودی روشن است، و بر همین اساس، انگیزه افزودن این قید هم آشکار است.

از باب مثال، در بیان چیستی «ریاضیات کاربردی»، آن را شاخه‌ای از ریاضیات دانسته‌اند که از یک سو به کاربرد ریاضیات در رشته‌های دیگر می‌پردازد (مدل)، و از سوی دیگر سعی دارد مبانی نظری ریاضیات محض را به مبانی عملی نزدیک‌تر کند و به عنوان پلی بین ریاضیات محض و علوم کاربردی عمل کند. ریاضی کاربردی واسطه ریاضیات محض و مدل‌سازی ریاضی با رشته‌های مهندسی (به‌طور خاص در زمینه محاسبات مهندسی، هوش مصنوعی، خمش تیرها، طراحی قطعات مهندسی و ابزار دقیق با تحلیل تنش و کرنش، بررسی ویژگی‌های نانومواد و نانو کامپوزیت‌ها و مواد به صورت تابعی درجه بندی شده، برنامه‌ریزی حمل و نقل، تحلیل فرایندهای شکست و خوردگی در مواد)، رشته‌های مدیریت (برنامه‌ریزی ریاضی، طرح ریزی بهینه)، اقتصاد (اقتصاد ریاضی، تحلیل داده‌های مالی، پیش‌بینی بازار)، جغرافیا (تحلیل داده‌های کلان اقلیمی در پیش‌بینی و برنامه‌ریزی هوشمند در کشاورزی) و پزشکی (تعیین زمان جذب یک دارو، تعیین مدل ریاضی رگ‌ها برای ساخت میکرو-ماشین‌ها و کاربرد در دارورسانی هدفمند در بدن، تحلیل روند رشد سلولهای سرطانی و مدل‌سازی ریاضی مربوطه و ...) است (موضوعات تحقیقاتی در ریاضیات کاربردی، ۱۳۹۹).

در مورد «منطق کاربردی» نیز تصریح می‌شود که رشته‌ای مستقل در کنار منطق صوری و منطق مادی نیست، بلکه گرایشی است که در آن با بهره‌گیری از قواعد منطقی، سعی دارد جنبه مهارتی و کاربردی را هدف اصلی آموزش منطق قرار دهد؛ از این رو در کتاب‌های آموزشی مربوط به منطق کاربردی چند کار صورت می‌گیرد: از اصطلاحات پیچیده و مغلق رایج در کتاب‌های منطقی، استفاده نمی‌شود؛ تنها مطالبی از منطق بیان

می‌شود که جنبه کاربردی داشته باشد؛ در بیان مطالب از مثال‌های ساده و ملموس فراوانی استفاده می‌شود (خندان، ۱۳۹۹، ص ۱۶-۱۷).

نسبت به «اخلاق کاربردی»، با اینکه چند دهه از عمر این اصطلاح می‌گذرد، و در عالم غرب منابع متعددی با این عنوان تدوین شده است، اما به نظر می‌رسد هنوز تعریف دقیقی از این شاخه علمی ارائه نشده است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، ص ۸۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، ص ۴۹-۵۶). اخلاق کاربردی در عبارت‌هایی مختصر، این‌گونه تعریف شده است: کاربردی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰، ۸۴)، کاربرد نظریه‌های کلی اخلاقی، یا احکام حاصل از آنها در مسائل خاص اخلاقی، و به عبارت دقیق‌تر: کاربرد مبانی و معیارهای اخلاقی در حوزه یا مسئله‌ای خاص (ر.ک: همان، ۸۶).

برخی دیگر، در تعریفی غایت‌شناختی از اخلاق کاربردی گفته‌اند:

اخلاق کاربردی، به دنبال دست یافتن به قواعدی خاص تر از قواعد عام اخلاقی است که در شرایط ویژه و موضوعات و موارد مشخص تر و جزئی تر کارایی داشته باشد؛ هر چند که به نظریه‌های عام مطرح در اخلاق هنجاری نیز بی توجه نیست. برخی ویژگی‌های اخلاق کاربردی عبارت است از: ۱. توجه بیشتر به زمینه‌ها و جزئیات؛ ۲. تکیه بر معضلات کاربردی مسایل و کانون بحران‌های اخلاقی؛ ۳. برخورداری از روشی، نه کاملاً قیاسی و نه کاملاً استقرایی، بلکه شیوه‌ای که به استعاره از جان راولز، آن را «موازنه متفکرانه» می‌خوانند؛ ۴. توجه مستقیم به موضوعات عملی و کاربردی در اخلاق؛ ۵. بررسی مسایل جدید اخلاقی که در نتیجه پیشرفت تکنولوژی و علم مطرح شده است؛ ۶. پی‌جویی راه حل‌های عملی در مورد تعارضات اخلاقی و تلاش برای ارائه پاسخ‌های جدید به برخی مسایل چالش‌خیز قدیمی؛ ۷. تلاش برای نهادینه کردن اخلاق میان گروه‌ها و جوامع مختلف (اخلاق کاربردی؛ مفاهیم و کاربردها، ۱۳۸۵، ص ۱۲).

و اما اصطلاح «فلسفه کاربردی» نیز از این ابهام‌ها مصون نیست. اصطلاح فلسفه در دهه‌های اخیر از انحصار متافیزیک خارج شده و در معنایی عام‌تر شیوع استعمال پیدا کرده است، و بر همین مبنا به شاخه‌های مختلفی همچون فلسفه اخلاق، فلسفه دین، فلسفه علم،

فلسفه منطقی و... تقسیم شده است. از سوی دیگر، تفکیک فلسفه به کاربردی و نظری بیش از آنکه تقسیمی بر اساس موضوع، روش یا محتوا باشد، تقسیمی نیازمحور است. کاربردی بودن فلسفه از یک سو می‌تواند به معنای مشارکت آن در مباحث نظری سایر علوم باشد، مانند مشارکت فلسفه در مباحث کاملاً نظری مرتبط با علوم شناختی، و از سوی دیگر می‌تواند به معنای پرداختن به مسائلی باشد که امروزه از نیازهای اصلی فردی و اجتماعی انسان است، مانند فلسفه برای کودکان، که در آن رشد تفکر انتقادی کودکان محل توجه است. بر این اساس، فلسفه کاربردی می‌تواند طیف وسیعی از مباحث فلسفی، از متافیزیک و منطقی گرفته تا معرفت‌شناسی و اخلاق و... را در بر داشته باشد (زاهدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰).

و اما در حوزه دانش کلام نیز در سالیان اخیر، اصطلاح «کلام کاربردی» از سوی برخی نویسندگان و اندیشمندان مطرح شده است، اما بحث و گفت‌وگوی چندانی در محافل علمی و در قالب آثار مکتوب، پیرامون آن شکل نگرفته است، و همان مباحث اندک که در این باره منتشر شده نشان از تلقی‌های مختلف و متباین در مقام کاربرد این واژه دارد؛ تلقی‌هایی که قابل جمع نبوده و صرفاً دارای اشتراک لفظی‌اند. با وجود این پیشینه بسیار اندک، و فهم‌های متباین، به تازگی در برخی رشته‌های دانش کلام، واحد درسی با همین عنوان، پیش‌بینی شده است! از این رو ضرورت دارد آثار بیشتری از سوی صاحب‌نظران در باب چیستی، مبانی و شاخصه‌های کلام کاربردی منتشر شود تا اولاً نویسندگان و پژوهشگران این عرصه بر معنایی واحد اجماع کرده و از دام مغالطه اشتراک لفظی مصون بمانند، و ثانیاً ابعاد و زوایای معنای مورد اجماع، و نسبت آن با کلام رایج عیان گردد.

نظر به تازه بودن ادبیات مفهومی کلام کاربردی، درنگ در مفهوم آن می‌تواند از برخی سوء برداشتها درباره آن، که خطر نهادینه شدن در فضای کلامی جامعه را دارد، جلوگیری کند. نوشتار حاضر در صدد است به این سؤالات پاسخ دهد که: کلام کاربردی دقیقاً به چه معنا یا معانی است، و چه نسبتی با علم کلام به معنای رایج و مصطلح دارد؟ و از چه میزان اهمیت برخوردار است؟. در مورد پیشینه بحث، به غیر از یک مقاله و یک نشست علمی (که در ضمن مباحث، به آنها اشاره خواهد شد)، موردی یافت نشد.

واژه مرکب «کلام کاربردی»- چنان که گفته شد- تا کنون رواج چندانی نداشته است، اما در همان موارد محدود، حد اقل در سه معنای متفاوت استعمال شده است:

۱. معنای اول: روزآمد کردن دانش کلام مطابق نیاز نسل امروز

گاهی مراد از کلام کاربردی، پالایش کلام موجود، و تأکید بر آن دسته از موضوعات و مسائل و شبهات اعتقادی است که دغدغه ذهنی نسل امروزی است. این موضوعات و مسائل و شبهات بر دو دسته است. دسته اول، مواردی است که اختصاص به نسل حاضر نداشته و در همه اعصار با شدت و ضعف، فکر بشر را به خود مشغول کرده است؛ مباحثی همچون: خلقت جهان، جبر و اختیار، قضا و قدر، شرور، و سرنوشت انسان پس از مرگ. دسته دوم، مسائل نوپدید است که در گذشته مطرح نبوده و یا کمتر مطرح بوده، اما اکنون در پی عوامل مختلفی همچون سرعت تعاملات فرهنگی جوامع مختلف، پیشرفت‌های علوم تجربی و انسانی، و تحولات نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای انسان‌ها مطرح شده، و زمینه تجدید نظر در نگرش او به مبده هستی و حقوق و وظایف انسان در قبال خالق جهان، انسان‌های دیگر و عالم طبیعت را ایجاد کرده است. مباحث دسته دوم، در قرن اخیر معمولاً با عنوان «کلام جدید» یا «مسائل جدید کلامی» مطرح می‌شود.

اصطلاح دیگری که معادل این معنا از کلام کاربردی است، اصطلاح «معارف کاربردی» است، که اخیراً اثری هفت جلدی مشتمل بر سلسله مباحث اعتقادی، با همین عنوان منتشر شده است، و در مقدمه اثر، در بیان مراد از اصطلاح مذکور، به این مطلب اشاره شده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۷).

اصطلاح کلام کاربردی در این استعمال، خالی از ابهام بوده، و مدلول تصویری آن، مطابق با مراد استعمالی و مراد جدی است. تعریفی که یکی از نویسندگان ارائه کرده است، می‌تواند ناظر به همین معنا باشد؛ هرچند تعریف روشنی نیست. وی در تعریف کلام کاربردی می‌گوید: «کلام کاربردی عبارت است از کاربرد مبانی و معیارهای کلامی در تقریر یا اثبات یک مسئله یا موضوع خاص اعتقادی مورد نیاز جامعه، با توجه به روش‌های متفاوت مکاتب کلامی در استفاده از منابع وحیانی، برهانی، عرفانی و تجربی یا تلفیقی از

آنها» (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۸۱).

این تعریف، دارای ابهام شدید است؛ مراد از «کاربرد مبانی و معیارهای کلامی در تقریر یا اثبات یک مسئله اعتقادی» چیست؟ حل مسأله اعتقادی با معیارها و قواعد کلامی - صرف نظر از مسامحه در تعبیر - هرگز نمی‌تواند تفاوت کلام متعارف و کلام کاربردی را نشان دهد. آنچه می‌تواند تمایز کلام کاربردی را نشان دهد، همان قید «مسئله یا موضوع خاص اعتقادی مورد نیاز جامعه» است، که بایستی به همان بسنده می‌شد، و در این صورت، به همان تعریف مذکور در این نوشتار برمی‌گردد.

۱-۱. نسبت معنای اول با کلام رایج

کلام کاربردی به این معنا، تفاوت ماهوی با علم کلام متعارف و رایج ندارد، بلکه بر این مبنا که کلام جدید (مسائل جدید کلامی) را بخشی از علم کلام بدانیم و نه در مقابل آن - که قول برگزیده هم همین است - نسبت میان کلام کاربردی و علم کلام، نسبت عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی کلام کاربردی، بخشی از میراث عظیم مباحث اعتقادی است که روز به روز، در حال اصلاح و تکمیل و تعمیق است.

کاربردی کردن کلام به این معنا، عبارت است از تمرکز بر مباحث مورد نیاز مخاطبان امروزی، و حذف مباحثی که به تاریخ علم کلام پیوسته و فاقد کارکرد در عصر کنونی است. کلام کاربردی، در کنار این پالایش، متضمن چند فعالیت و اقدام دیگر هم است: ۱. نوآوری در تبیین اعتقادات، و عرضه مباحث اعتقادی متناسب با سطوح مختلف سنی و تحصیلی؛ ۲. بازنگری و نوآوری در استدلال‌ها و دفاعیه‌ها و روش‌های مواجهه، به منظور افزایش ضریب اقناع و نفوذ؛ ۳. توجه بیشتر به مسائل و شبهات نوپدید و تولید پاسخ‌های متنوع برای جدیدترین شبهات.

۱-۲. ضرورت و نقش کلام کاربردی به معنای اول

کلام کاربردی به این معنا، با تجمیع مباحث مورد نیاز زمانه حاضر - اعم از مسائل قدیمی و مستمر مورد نیاز و مسائل جدید و نوپیدا - و پیراستن علم کلام از مباحث صرفاً تاریخی، می‌تواند نقش و رسالتی تاریخی برعهده گیرد. این نقش عبارت از پایان دادن به نزاع‌ها و اختلافات چند دهه اخیر در باره نسبت کلام قدیم و کلام جدید، و منزه کردن

کلام از نسبت‌هایی همچون عدم کارآیی، جدلی و غیر برهانی بودن و ... است، که البته تفصیل این مطلب مجال دیگری می‌طلبد.

با این توضیح، ضرورت کلام کاربردی هم روشن می‌گردد.

البته قید «کاربردی» تا زمانی موضوعیت دارد، که این نقیصه در کلام رایج باقی است، و اما بعد از پالایش علم کلام از مباحث غیر ضرور و تنظیم مباحث ضروری - اعم از مباحث کلام قدیم و کلام جدید - در یک نظام یک پارچه و منطقی، این قید نیز موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

۲. معنای دوم: راهکارهای تأثیربخشی معرفت‌های دینی در حیات فردی و اجتماعی

معنای دیگری که از عبارات برخی نویسندگان برداشت می‌شود، با معنای اول به کلی متفاوت است. دغدغه طراحان کلام کاربردی در این معنا، مسأله شکاف میان دانسته‌های اعتقادی اشخاص با عمل و سبک زندگی آنها است. این پرسش همواره مطرح بوده است که چرا انسان‌ها در موارد بسیار، به لوازم معرفت‌های کلامی خود ملتزم نیستند، و این معارف در اعمال آنها تجلی و نمود پیدا نکرده، بلکه در تعارض با آن معارف است؟ در جست‌وجوی پاسخ به این دغدغه مهم و سرنوشت‌ساز، به این اندیشه راه یافته‌اند که کلامی متفاوت از کلام رایج، به منظور علاج این درد ابداع کنند. با این توضیح، کلام کاربردی مشتمل بر مجموعه مباحثی خواهد بود که راهکارهای تأثیربخشی معرفت‌های دینی در حیات فردی و اجتماعی را نشان دهد.

عبارتی که برخی پژوهشگران در تعریف کلام کاربردی ارائه کرده‌اند، ناظر به این معنا است: «کلام کاربردی عبارت است از مجموعه مطالعات راه‌های تحقق باورها و مقولات کلامی در محیط زندگی فردی و اجتماعی انسان. کلام نظری معاد و توحید را اثبات می‌کند و کلام کاربردی تلاش می‌کند آن را به عرصه عملی وارد کند» (سبحانی، ۱۳۹۶).

این عبارت، شبیه‌سازی شده‌ی یکی از تعاریف اخلاق کاربردی است؛ یعنی: «کاربردی کردن ارزش‌های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی» (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۰).

۸۴)، و البته از جهاتی مورد تأمل است:

۱. در این تعریف، سخن از «تحقق باور در محیط زندگی» رفته است که تعبیری مسامحه آمیز و مبهم است؛ زیرا باور، در نفس انسان تحقق می‌یابد نه در محیط زندگی. در توجیه عبارت می‌توان گفت مراد از این تعبیر، تحقق آثار و لوازم خارجی باور است.

۲. اشکال دیگر این تعریف، عطف واژه «مقولات» بر واژه باور است. مراد از مقولات در اینجا روشن نیست. در بهترین توجیه، می‌توان آن را مرادف واژه باور فرض کرد، که البته به دلیل وضوح معنایی لفظ باور، نیازی به آن نیست و حذف آن، سزاوارتر است.

۳. واژه «باور» در این تعریف به چه معناست؟ اگر مراد، تصدیق قلبی - در مقابل تصدیق عقلی و منطقی - است، در حوزه اعتقادات، معادل «ایمان» خواهد بود. آنچه مورد توافق نسبی است، شکاف میان معرفت و تصدیق عقلی و عمل است، و اما در باره نسبت ایمان و عمل، اعتقاد به وجود چنین شکافی محل تأمل است، و بلکه یکی از راهکارهای ارائه شده در مسأله «شکاف میان معرفت و عمل» نقش رخنه‌پوشی ایمان است، یعنی اگر معرفت عقلی به مرحله تصدیق قلبی (ایمان) صعود کرد، عمل را به دنبال خواهد آورد (ر.ک: اکبریان، ۱۳۹۱، ۱۰۱). بر اساس این دیدگاه، مسأله «شکاف میان معرفت و عمل» یک گام به عقب رفته و تبدیل می‌شود به مسأله «شکاف میان معرفت و باور»، یعنی باید به دنبال راهکار برای تبدیل معرفت به باور بود؛ چرا که اگر باور (ایمان) حاصل شد، عمل هم در پی آن خواهد آمد. احادیثی همچون: «لَا يَزْنِي الزَّانِي حِينَ يَزْنِي وَهُوَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَسْرِقُ السَّارِقُ حِينَ يَسْرِقُ وَهُوَ مُؤْمِنٌ» (زانی و سارق، در حین زنا و سرقت، دارای ایمان نیستند) (جمعی از علماء، ۱۳۸۱، ص ۲۹۳-۲۹۴) و: «الْإِيمَانُ وَالْعَمَلُ أَخَوَانٌ تَوَآمَانِ وَرَفِيقَانِ لَا يَفْتَرِقَانِ» (ایمان و عمل همزاد یکدیگر و دو قلو هستند و همچون دو رفیقی هستند که از یکدیگر جدا نمی‌شوند) (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۶) نیز این مطلب را تأیید می‌کند، و به موازات افزایش ایمان، تخلف در مقام عمل کاهش می‌یابد.

حاصل سخن آنکه: پیش فرض این تعریف، پذیرش «شکاف میان باور و عمل» است؛ در حالی که آنچه مورد پذیرش است، «شکاف میان معرفت و عمل» است، و میان معرفت و باور فرق است. اگر منکر شکاف میان باور و عمل شدیم، و عمل مطابق باور را اثر و

نتیجه طبیعی باور دانستیم، تعبیر «راه‌های تحقق باورها در محیط زندگی» تعبیر صحیحی نخواهد بود.

۳. معنای سوم: شیوه‌های هنجارسازی باورهای اعتقادی

هنجارهای فرهنگی یک جامعه، بیانگر هویت و موجودیت آن جامعه است و در تشویق افراد به عمل بر طبق آن هنجارها نقش مؤثری ایفا می‌کند. در حل مسأله شکاف میان معرفت و عمل، یکی از راه‌های مؤثر در پوشش این شکاف، هنجارسازی آموزه‌های اعتقادی است. وقتی آموزه‌های اعتقادی تبدیل به هنجار شد و جزئی از فرهنگ جامعه گردید، جنبه بازدارندگی آن، انگیزه افراد در عمل به آموزه‌های مذکور و عدم ارتکاب اعمال منافی آن را تقویت می‌کند. همین امر، کنش‌گران عرصه اجتماعی و متکلمانی که پاسداری از عقاید مؤمنان و ترویج عقاید دینی مهم‌ترین دغدغه آنهاست، را به این سو می‌کشاند که برای تبدیل آموزه‌های دینی به فرهنگ و هنجار اجتماعی، و زدودن هنجارهای متعارض با این آموزه‌ها چه باید کرد؟

یکی از معانی کلام کاربردی - و یا بخشی از مباحث آن - می‌تواند مسأله شکاف عقاید و فرهنگ - و به تعبیر دیگر: شکاف باورهای فردی و هنجارهای اجتماعی - باشد. از عبارتی که از برخی پژوهشگران نقل کردیم، می‌توان این معنا را نیز استنباط کرد (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۶).

در ادامه نوشتار، به ارزیابی این دو معنا - از طریق تبیین نسبت آن دو با کلام رایج، و ضرورت و اهمیت آن - می‌پردازیم.

۴. نسبت معنای دوم و سوم با کلام رایج

برای روشن شدن نسبت دو معنای اخیر کلام کاربردی با علم کلام رایج و متعارف، لازم است مروری بر موضوع، مسائل و اهداف علم کلام صورت گیرد. هر چند در تعیین موضوع علم کلام اختلافات گسترده‌ای وجود دارد (ر.ک: ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۸، ص ۲۷ - ۳۰)، اما صرف نظر از جزئیات این اختلافات، می‌توان «عقاید دینی» را به عنوان قدر مشترک این اقوال دانست. بر این اساس، مسائل علم کلام، مجموعه مباحث مربوط به جهان‌بینی (شامل خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی) است که از سنخ هست‌ها (در

مقابل بایدها و نبایدها) و مربوط به حوزه بینش و معرفت و عقیده است، و در مقابل آن، دو حوزه فقه و اخلاق قرار دارد که ناظر به حقوق و وظایف انسان (بایدها و نبایدها) از منظر دین است. هدف و رسالت علم کلام نیز استنباط، تنظیم، تبیین و اثبات عقاید دینی و دفاع از آنها و پاسخ به شبهات است.

این تقسیم‌بندی در راستای هدف محوری بعثت انبیاء است. انبیای الهی برای عرضه برنامه جامع سعادت انسان مبعوث شدند. محتوای این برنامه، در دو کلمه قابل تلخیص است: ایمان و عمل صالح («وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَنُجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ... وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ»؛ عنکبوت: ۷ و ۹). ایمان، عمل قلب است، و عمل صالح، مربوط به جوارح است. از این دو، عمل صالح متوقف بر ایمان و در طول آن است، و اما ایمان، عملی اختیاری و متکی بر معرفت است، و متعلق ایمان، همان معارف و عقاید دینی است، که علم کلام، متکفل تبیین، اثبات و دفاع از آنهاست.

بر این اساس، نقش علم کلام، تحصیل یکی از مقدمات ایمان (به عنوان فعل اختیاری) است. حصول برخی از مقدمات فعل اختیاری، لزوماً منجر به ذی المقدمه نمی‌شود. تا زمانی که جزء اخیر علت تامه‌ی فعل اختیاری - یعنی اراده - حاصل نشود، فعل (ایمان) محقق نمی‌شود. اما بررسی این مسأله که علاج پُر کردن شکاف میان معرفت و ایمان - به عنوان عمل اختیاری - (و یا معرفت و عمل) چیست، در حیطه رسالت علم کلام نیست. در باره ایمان، آنچه در علم کلام مورد بحث واقع می‌شود، حد اکثر مربوط به ماهیت و آثار و احکام ایمان (و مقابل آن، یعنی کفر) است. مسأله شکاف میان معرفت و عمل، از مباحث میان رشته‌ای، و مربوط به حوزه تربیت و اخلاق و روان‌شناسی تربیتی و ... است، که از دیرباز مورد بحث قرار داده‌اند.

ممکن است گفته شود: چه اشکال دارد که امروزه این مباحث را هم در علم کلام داخل کنیم؛ چنان که بسیاری از مسائل جدید کلامی در کلام سنتی داخل نبود و به مرور زمان داخل شد؟

پاسخ این است که دخول یا عدم دخول یک مسأله در این علم، مانند هر علم دیگر،

تابع ضابطه و ملاک است، و ضابطه، همانا انطباق و تناسب با موضوع و غایت و روش این علم است، و این مباحث، منطبق بر موارد مذکور نیست. بنابراین، با افزودن قیدی مانند قید «کاربردی» بر عنوان علم کلام، ماهیت علم کلام تغییر نمی‌کند، تا مجوزی برای ادخال چنین مباحثی در علم کلام گردد. و البته، عدم دخول این مباحث در علم کلام، نه منقصتی برای علم کلام بوده و نه از کارآمدی و فایده‌مندی آن می‌کاهد. علم کلام - چنان که ذکر شد - متکفل تشخیص سره از ناسره در متعلقات ایمان، و تبیین و اثبات و دفاع از این متعلقات است، و ایمان، محرک عمل، و در رتبه‌ای مقدم بر عمل نشسته است.

با توضیحات ارائه شده، تکلیف معنای سوم کلام کاربردی (شیوه‌های هنجارسازی باورهای اعتقادی) هم معلوم می‌شود؛ یعنی نه تعیین هنجارها و ضد هنجارها، و نه شیوه‌ها و ابزار هنجارسازی و تبدیل معارف اعتقادی به هنجارهای اجتماعی، در حیطه علم کلام نیست. تعیین هنجارها و ضد هنجارها در حیطه دو دانش فقه و اخلاق است، و تبیین مکانیسم‌ها و فرایندهای هنجارسازی نیز در حیطه علم جامعه‌شناسی و دانش‌های مرتبط است.

بنابراین، هر چند ضرورت و اهمیت بحث از دو مسأله‌ی «شکاف میان معرفت و عمل» و «فرایند تبدیل معرفت به هنجار» بر کسی مخفی نیست، اما سخن در ارتباط این دو با علم کلام است. جایگاه این دو، نه علم کلام به معنای رایج، و نه «کلام کاربردی» به معنای اول از سه معنای مذکور در این نوشتار است.

۵. ضرورت کلام کاربردی به معنای دوم و سوم

مسأله شکاف میان معرفت و عمل، همواره مورد توجه مکاتب اخلاقی بوده، و هنوز هم بحثی زنده و معرکه آراء است. این بحث در فلسفه اخلاق ارسطو تحت عنوان آکرسیا مطرح شده است که ناظر به بحث اتحاد معرفت و فضیلت افلاطون است. در دیدگاه سقراط و افلاطون، علت موثر بر عمل، صرفاً معرفت است، به گونه‌ای که هیچ علتی در مقابل معرفت روشن نمی‌تواند مانع عمل شود. ارسطو با قبول تاثیر معرفت بر عمل اخلاقی، بر این عقیده بود که میل و نفس انسانی این توانایی را دارد که گاه به رغم معرفت و حتی معرفتی روشن، مانعی را بر سر راه عمل اخلاقی ایجاد نماید. او برای تحقق عمل، چندین

علت را به صورت پراکنده در نظریه های اخلاقی خود بر می شمرد و مبانی عمل را در امور متعدد جست و جو می نماید. از نظر ارسطو، امیال، که از تخیل نفس ناپرهیزگاری برخاسته‌اند، این امکان را دارند که گاه شرایطی ایجاد نمایند تا انسان دست به عملی برخلاف علم و شناخت عقلانی خود بزند. در چنین شرایطی که انسان با علم به فضیلت بودن یک عمل برخلاف آن رفتار می کند، می شود چنین گفت که علم انسان به فراموشی سپرده شده است. ارسطو این ضعف اخلاقی را به وجود میل و شوق در انسان نسبت می دهد، امری که با مقابله با آن، عمل اخلاقی تحقق پیدا می کند (جوادی - صیادنژاد، ۱۳۸۸، ص ۱).

این بحث، بعد از ارسطو تا کنون ادامه داشته و اندیشمندان مسلمان نیز با الهام از آیات و احادیث معصومان علیهم السلام، راه‌حلهایی ارائه کرده‌اند. گاهی با توسل به آموزه قرآنی «شاکله» (اسراء: ۸۴) در صدد حل مسأله برآمدند (ر.ک: ایزدی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷ - ۱۲۶)، و گاهی نیز از عنصر «ایمان» در این مسیر سود جسته‌اند (ر.ک: اکبریان، ۱۳۹۱، ۱۰۱ - ۱۲۰)، و یا از نظریه اعتباریات بهره گرفته‌اند (ر.ک: حقی، احمد و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۸۷ - ۲۰۹). نکته قابل ذکر این است که هرچند در غالب این آثار، بر معرفت و عمل اخلاقی تأکید شده است، اما این قید - چه در اصل مسأله و چه در راهکارهای پیشنهادی - موضوعیت نداشته، و معرفت اعتقادی از یک سو، و اعمال مشمول باید و نبایدهای فقهی از سوی دیگر را هم فرا می گیرد.

با این توضیحات معلوم می شود این مسأله، از سنخ ضرورت‌های بر زمین مانده نیست تا دغدغه‌مندان عرصه دانش کلام، در صدد ادخال آن در مباحث کلامی برآیند.

نتیجه‌گیری

دستاورد پژوهش حاضر را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. کلام کاربردی اصطلاحی نوپدید و متأثر از اصطلاحات مشابهی همچون ریاضیات کاربردی، منطق کاربردی، اخلاق کاربردی و فلسفه کاربردی است، که بر معنای آن تسالم و اجماعی حاصل نشده و مبتلا به ابهام و اشتراک لفظی، و حد اقل دارای سه معنا است: روزآمد کردن دانش کلام مطابق نیاز نسل امروز؛ راهکارهای تأثیربخشی معرفت‌های دینی در حیات فردی و اجتماعی؛ و شیوه‌های هنجارسازی باورهای اعتقادی.

۲. معنای اول، فاقد اشکال بوده و به دلیل نقشی که در رفع شکاف میان کلام قدیم و کلام جدید می‌تواند ایفا کند، از اهمیت و ضرورت برخوردار است. نسبت این معنا با کلام رایج و مصطلح نیز عموم و خصوص مطلق است. البته قید «کاربردی» تا زمانی موضوعیت دارد، که این نقیصه در کلام رایج باقی است، و اما بعد از پالایش علم کلام از مباحث غیر ضرور و تنظیم مباحث ضروری - اعم از مباحث کلام قدیم و کلام جدید - در یک نظام یک‌پارچه و منطقی، این قید نیز موضوعیت خود را از دست می‌دهد.

۳. معنای دوم، هرچند ناظر به مسأله‌ای مهم و ضروری است، اما جایگاه بحث از این مسأله، علم کلام نیست. علم کلام عهده‌دار تبیین، اثبات و دفاع از متعلق باور و ایمان (عقاید دینی) است، و اما مکانیسم شکل‌گیری ایمان و باور - به عنوان عمل اختیاری قلب - و مسأله شکاف میان معرفت و عمل، در حیطه علم کلام نیست، بلکه از مباحث چند رشته‌گی حوزه‌های تربیت و اخلاق و روان‌شناسی تربیتی و ... است.

۴. معنای سوم کلام کاربردی - همچون معنای دوم - خارج از حیطه علم کلام و رسالت متکلم است. تعیین هنجارها و ضد هنجارها در حیطه دو دانش فقه و اخلاق است، و تبیین مکانیسم‌ها و فرایندهای هنجارسازی نیز در حیطه علم جامعه‌شناسی و دانش‌های مرتبط است.

فهرست منابع

۱. «اخلاق کاربردی؛ مفاهیم و کاربردها»، ۱۳۸۵، مجله نگاه حوزه، شماره ۱۹۹، ۱۶ دی ۱۳۸۵، ص ۱۲-۱۷.
۲. اکبریان، سید محمد، ۱۳۹۱، «نظریه ایمان در رفع شکاف معرفت و عمل اخلاقی»، پژوهشنامه اخلاق، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۹۱، ص ۱۰۱-۱۲۰.
۳. ایزدی، محسن، ۱۳۹۷، «حل مسئله شکاف بین علم و عمل اخلاقی از طریق آموزه قرآنی «شاکله» (با تأکید بر اخلاق کاربردی)»، فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۳۹، ص ۱۰۷-۱۲۶.
۴. پور قاسم، احمد، ۱۳۹۸، «فلسفه کاربردی چیست؟ / گفتگو با پروفیسور دیوید آرچارد»، فصلنامه اطلاعات حکمت و معرفت، شماره ۱۵۱، تابستان ۱۳۹۸، ص ۶-۹.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۳۶۶، تصنیف *غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۶. جمعی از علماء، ۱۳۸۱، *الأصول الستة عشر*، تصحیح: محمودی، ضیاء الدین محمودی و دیگران، قم، مؤسسه دار الحدیث الثقافية.
۷. جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، *معارف کاربردی*، جلد اول، مشهد مقدس، مؤسسه جوانان آستان قدس رضوی.
۸. جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷، *اخلاق کاربردی*، چاپ اول، قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. جوادی، محسن؛ صیادنژاد، علیرضا، ۱۳۸۸، «بررسی شکاف بین نظر و عمل اخلاقی از دیدگاه ارسطو»، اندیشه دینی، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱-۲۸.
۱۰. حقی، احمد؛ صفایی مقدم، مسعود؛ مرعشی، سید منصور؛ حسین زاده، علیمحمد، ۱۳۹۷، «بررسی رابطه میان نظر و عمل در تربیت اخلاقی براساس نظریه اعتباریات علامه طباطبایی»، فصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۲۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۸۷-۲۰۹.
۱۱. خندان، علی اصغر، ۱۳۹۹، *منطق کاربردی*، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات سمت، مؤسسه فرهنگی طه.
۱۲. ربانی گلیپگانی، علی، ۱۳۹۸، *ما هو علم الکلام*، چاپ هفتم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۱۳. زاهدی، محمد صادق، ۱۳۹۳، «فلسفه کاربردی و میان رشتگی»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳، ص ۱-۱۷.
۱۴. سبحانی، محمد تقی، ۱۳۹۶، نشست علمی «کلام کاربردی؛ ضرورت و قلمرو»، (<https://www.hawzahnews.com>) ۲ خرداد ۹۶، کد خبر: ۴۱۶۳۵۵.
۱۵. شریفی، احمد حسین، ۱۳۹۰، «چیستی اخلاق کاربردی»، معرفت اخلاقی، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۰، ص ۸۳-۹۶.
۱۶. محمدی، مسلم، ۱۳۹۴، «کلام کاربردی؛ ضرورت و هویت»، فصلنامه تحقیقات کلامی، شماره ۸، بهار ۱۳۹۴، ص ۶۹-۸۸.
- «موضوعات تحقیقاتی در ریاضیات کاربردی»، سایت: <http://modernmath.ir/research-topics-in-applied-mathematics/>، به نقل از: <https://fa.wikipedia.org>، تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰.

